

## شمارش معکوس برای تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا (س) در باکو

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

حسین گل،  
کارشناس مسائل قفقاز

روز جمعه (دهم اردیبهشت ماه) در حالی که تعداد کثیری از مردم شیعه جمهوری آذربایجان در مساجد باکو و سایر شهر های این جمهوری در حال اقامه نماز جمعه بودند خبر تأیید حکم تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا (س) باکو توسط دادگاه عالی کشورشان، آنان را که در ایام سالگرد شهادت مظلومانه حضرت فاطمه زهرا عزادار بودند در اندوهی مضاعف غوطه ور نمود. این مردم پیش از این دو بار در جریان تخریب مسجد حضرت محمد (ص) باکو و مسجد منطقه نفت داشلاری؛ بی حرمتی دولتشان نسبت به مقدسات خود را به نظاره نشسته بودند ولی این بار بر این باور بودند با اقداماتی که انجام داده اند خواهند توانست حکم تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا را که دادگاه منطقه سوراخانی به بهانه واهی غیر قانونی بودن این مسجد، صادر و دادگاه تجدید نظر نیز آن را تأیید نموده بود نقض کنند. آنان برای این منظور هر چه می توانستند انجام دادند؛ از جمله اینکه بر اساس قانون به حکم صادره اعتراض نموده و ادله خود از جمله مجوز فرمانداری باکو در سال 1996 مبنی بر ساخت مسجد حضرت فاطمه زهرا و نیز اسناد مالکیت زمین و سایر مدارک مورد نیاز را به دادگاه تجدید نظر و دادگاه عالی تقدیم نمودند. علاوه بر این تعدادی از تشکلهای دینی و احزاب جمهوری آذربایجان طی بیانیه های مختلف خواستار نقض حکم تخریب این مسجد گردیدند. همچنین تعدادی از شخصیت‌های دینی نامه سرگشاده ای را خطاب به رئیس جمهور آذربایجان تنظیم و ارسال کردند و مهمتر اینکه طی چند مرحله با تجمع اعتراض آمیز در مقابل این مسجد خواستار توقف جریان مسجد ستیزی شدند که در جریان آن افراد زیادی مورد ضرب و شتم پلیس و نیروهای امنیتی قرار گرفته و تعدادی نیز بازداشت شدند.

اینک با قطعیت یافتن حکم تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا (س) باکو که در منطقه پر جمعیت گونشلی این شهر قرار دارد و 12 سال قبل با طی مراحل قانونی به همت مردم این منطقه خریداری و ساخت آن با کمک های مردمی آغاز شده بود شمارش معکوس دولت آذربایجان برای عملی نمودن تخریب این مسجد شروع گردیده و مردم دیندار باکو و سایر شهرهای آذربایجان که قبلا در تجمعات اعتراض آمیز خود با سر دادن شعارهایی از قبیل "مرگ بردولتی که مسجدها را ویران می کند"، "تا خون در رگ ماست مسجدی در باکو تخریب نخواهد شد" و "حسین حسین شعار ما شهادت افتخار ما" لبریز شدن کاسه صبر خود در برابر بی حرمتی به مقدسات اسلامی را فریاد کرده بودند در شرایطی دشوار قرار گرفته اند؛ آنان با دولتی رو در رو هستند که از یک طرف عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال گذشته را یدک می کشد و چند روز قبل همایش جهانی شدن دین و ارزش های سنتی را با تبلیغات فراوان برگزار نمود و مدام با تبلیغات گسترده رسانه ای، جمهوری آذربایجان را مهد آزادی پیروان همه ادیان معرفی می کند و از سوی دیگر و در مرحله عمل؛ به اعتقادات و ارزشهای دینی بیش از 95 درصد مردم خود کوچکترین اعتنایی نمی نماید و در حقیقت شعار دولتمردان آذری در خصوص آزادی پیروان ادیان تنها نصیب اقلیت یهودی و مسیحی می گردد؛ تخریب و تعطیلی هفت مسجد در سال گذشته، افزایش محدودیت‌های موجود برای دینداران مسلمان از قبیل ممنوعیت صدور گذرنامه برای بانوان محجبه، تلاش جهت ممنوعیت پخش اذان از مساجد، ممنوعیت وجود هرگونه نماد اسلامی در ادارات و اماکن دولتی، ضرب و شتم و بازداشت عزاداران پیامبر اکرم (ص) در میدان فضولی باکو در سالروز وفات آن حضرت و... تنها نمونه هایی از اقدامات و سیاستهای ضداسلامی و ضد شیعی دولت باکو محسوب می گردد که باعث گردیده شیعیان جمهوری آذربایجان همچون پیشینیان خود با مظلومیت و در گمنامی به دفاع از اعتقادات خود بپردازند.

گرچه در طول تاریخ و در تمام اقصی نقاط عالم؛ تشیع همراه با مظلومیت نمود پیدا کرده است لیکن شیعیان جمهوری آذربایجان طی دو قرن اخیر با مظلومیتی مضاعف عجین بوده اند، این مردم پس از جدایی ناخواسته از ایران در دوره های حاکمیت تزارها و کمونیست هزینه های گزافی برای پاسداری از اعتقادات خود پرداخته اند. به عنوان نمونه در اوایل دهه 1920 همزمان با قدرت یافتن کمونیستها به دستور لنین هشتصد روحانی آذری به طرز فجیعی اعدام شدند که از بین آنان حدود 17 نفر با تحصیل در حوزه های علمیه ایران به درجه اجتهاد رسیده بودند. در فاصله سالهای 1929 الی 1939 بیش از سیصد هزار نفر از دینداران آذری توسط کمونیستها قتل عام شدند، تنها در سال 1929 حدود چهار صد مسجد بسته و حدود یکصد بیست مسجد تخریب گردید، مامورین نظام کمونیستی علما و روحانیون را وادار به اقدامات ضد دینی از قبیل سوزاندن قرآن می کردند و با مشاهده مقاومتشان آنها را در چاه هایی که نارگین نامیده می شد می انداختند و چاه را منفجر می نمودند...

آری مردم این منطقه با مقاومت و ایستادگی خود در برابر چنین مصائب و مشکلاتی توانسته اند با مظلومیت خود حداقل آموزه ها و مفاهیم دینی را به نسلهای پس از خود انتقال دهند و امروز نیز دینداران جمهوری آذربایجان که دین و مذهب خود را وامدار آنان می باشند در شرایطی دیگر، در مقابل اقدامات و سیاستهای ضد دینی دولت خود ایستادگی می نمایند تا مشعل نورانی اسلام و تشیع بر خلاف خواست حاکمان گذشته و حال این جمهوری به خاموشی نگراید؛ البته آنچه بدهی است انتظار مردم شیعه جمهوری آذربایجان از مسلمانان جهان به ویژه شیعیان جمهوری اسلامی ایران است که آنان را در این مسیر سخت یاری رسانند که امید است در این شرایط دستگاه دیپلماسی کشور و مهمتر از آن همه علما، دانشگاہیان، اصحاب رسانه و متولیان مساجد با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی مردم جمهوری آذربایجان با ایران اسلامی به وظیفه اسلامی و

انسانی خود در این خصوص عمل نمایند.

فرجام سخن اینکه دولتمردان جمهوری آذربایجان که مدتی است با تخریب مساجد عزم خود را جهت زدودن نمادهای اسلامی از دومین کشور شیعی دینا جزم کرده اند، بایستی متوجه این مهم باشند؛ همانگونه که کمونیستها طی هفتاد سال حکومت بر مردم مسلمان جمهوری آذربایجان نتوانستند به خواسته های خود برسند و سرانجامی جز خواری نیافتند اینان نیز بر اساس وعده حتمی الهی بایستی خود را برای خواری در دنیا و عذاب دردناک در آخرت مهیا نمایند چرا که خداوند متعال در آیه 114 سوره بقره می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَتَّعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و کیست ظالم تر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا نام وی برده شود و در ویرانی آنها بکوشد آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد]ها وارد شوند؛ در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.»